



روزنامه اختر و نظام تعلیم و تربیت

داریوش غلامی^۱

مهرناز آبروان^۲

چکیده

عصر ناصری را می‌توان از مهمترین مقاطع تاریخ معاصر ایران دانست. رقابت و نفوذ گسترده روس و انگلیس منجر به نارضایتی قشرهایی از جامعه شده بود. در چنین شرایطی، هر از گاهی واکنشی از سوی تحول خواهان ایرانی در راستای اصلاح و تغییر وضع موجود انجام می‌گرفت. تأسیس و آغاز به کار روزنامه اختر به چنین هدفی کمک می‌کرد. اختر نخستین روزنامه برون مرزی بود که به سبک مدرن و به مدت ۲۳ سال در استانبول چاپ می‌شد. مقالات و مطالب این روزنامه در ترویج و نشر افکار اصلاح خواهانه مؤثر بود. از مهمترین مؤلفه‌هایی که اختر بر آن تأکید داشت، تغییر در نظام تعلیم و تربیت بود. از نگاه گردانندگان اختر، اصلاح نظام آموزشی می‌توانست به کیفی سازی نیروی انسانی کمک کند و زمینه را برای انجام اصلاحات در ایران فراهم نماید. این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مندرجات روزنامه اختر به تحلیل نظام تعلیم و تربیت ایران عصر ناصری پرداخته و الگوی اصلاح نظام تعلیم و تربیت ایران را بر اساس مندرجات این روزنامه بررسی و تحلیل نماید.

کلید واژها: عصر ناصری، تعلیم و تربیت، اصلاح، روزنامه اختر، نوسازی.

۱- مقدمه

نظام تعلیم و تربیت را می‌توان از مهمترین مقوله‌های مورد نظر در نوسازی ایران دوره قاجار دانست. تحول خواهان و اصلاح گران دوره قاجار، جایگاه نظام تعلیم و تربیت را در تغییر وضع موجود مهم تلقی می‌کردند. روزنامه اختر در عصر ناصری و به همت برخی تحول خواهان ایرانی در استانبول انتشار می‌یافت. از نگاه نویسندگان اختر، توانمندسازی عناصر جامعه برای ترقی کشور، در نظام تعلیم و تربیت جستجو می‌شد. بر این اساس گردانندگان این روزنامه در مقالات متعددی به بررسی نظام تعلیم و تربیت در محورهای مختلف می‌پرداختند. اطلاع رسانی و تحلیل نقش نظام تعلیم و تربیت در ترقی، مشخص کردن کاستی‌های نظام آموزشی در راستای تغییر در نهاد مورد بحث و معرفی ساختارهای مناسب با ترقی شکل یافته در اروپا و کشورهای توسعه یافته، از مهمترین موضوعات مورد توجه نویسندگان اختر بود.

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ ایران دانشگاه اصفهان.

۲. کارشناسی تاریخ.

تاکنون مطالعات و پژوهش‌هایی در معرفی روزنامه اختر انجام شده است. برخی از این آثار به صورت کلی به معرفی اختر پرداخته‌اند، که می‌توان از کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران نوشته صدر هاشمی و تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان نوشته ناصرالدین پروین در این خصوص نام برد. همچنین در پژوهش‌ها و مقالاتی به صورت تخصصی‌تر به بررسی وجوهی از محتوای روزنامه اختر پرداخته شده است. مقالاتی همانند «نقش دولت و مردم در اقتصاد از نگاه اختر» نوشته عبدالمهدی رجایی، «رویکرد انتقادی روزنامه اختر به وضعیت زنان جامعه ایران عصر ناصری» نوشته جلیل پورحسن دارابی و «اندیشه آزادی و اقسام آن از دیدگاه روزنامه اختر» نوشته مهدی رفعتی پناه از جمله پژوهش‌هایی هستند که هر کدام به بررسی یکی از موضوعات مورد توجه روزنامه اختر پرداخته‌اند.

هر چند پژوهش‌های متعددی در بررسی و معرفی روزنامه اختر در زمینه‌های گوناگونی به انجام رسیده است اما، نهاد تعلیم و تربیت و نقش آن در نوسازی و ترقی ایران بر اساس مندرجات این روزنامه مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر در تلاش است به موضوع تعلیم و تربیت و نقش آن در نوسازی ایران از نگاه روزنامه اختر بپردازد. این پژوهش بر آن است تا با واکاوی مندرجات روزنامه اختر به این پرسش پاسخ دهد که؛ آیا در طرح نوسازی روزنامه اختر برای ایران عصر ناصری، نظام تعلیم و تربیت مورد توجه بوده است؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، به این موضوع بپردازد که مهمترین نارسایی‌های نظام تعلیم و تربیت ایران عصر ناصری و راهکار روزنامه اختر برای اصلاح آن چگونه بوده است؟ فرض تحقیق بر این اصل قرار دارد که با توجه به اهمیت کیفیت نیروی انسانی در امر توسعه و نقش دانش در این خصوص، این مؤلفه در مندرجات روزنامه اختر دارای اهمیت بود و از نگاه گردانندگان اختر، برای انجام نوسازی در جامعه باید از نظام تعلیم و تربیت کارآمدی برخوردار بود. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس مندرجات روزنامه اختر، رویکرد این روزنامه به نقش نظام تعلیم و تربیت در نوسازی ایران را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۲- معرفی روزنامه اختر

روزنامه اختر فعالیت مطبوعاتی خود را از روز پنجشنبه ۱۶ ذی الحجه ۱۲۹۲ هجری قمری برابر با ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ میلادی در استانبول و به زبان فارسی آغاز کرد. اختر در ابتدا غیر از روزهای یکشنبه و جمعه‌ها، هر روز چاپ و توزیع می‌شد، اما پس از مدتی، هفته‌ای دو بار، در روزهای شنبه و چهارشنبه منتشر می‌گردید. در سال‌های پایانی نیز به صورت هفتگی نشر و

توزیع می‌شد. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳، ص ۶۱) بی شک مندرجات روزنامه اختر مهمترین منبع جهت شناخت و معرفی روزنامه مذکور است. در سرلوحه‌ی روزنامه اختر^۱ از آغاز تا پایان انتشار، عدد ۱۲۹۲ به عنوان سال تأسیس ثبت می‌گردید. نام روزنامه [کلمه اختر] با خط ثلث و به صورت ساده و درشت در بالای صفحه درج می‌گردید و در قسمت زیرین نام، در سمت راست به خط فرانسه (Lakhter) نوشته می‌شد. از شماره هیجدهم سال شانزدهم، گردانندگان اختر لوگوی مربوط به نام اختر را تغییر دادند. از این تاریخ به بعد کلمه اختر به صورت معکوس در سرلوحه ثبت می‌گردید. سمت راست سرلوحه، محل و تاریخ انتشار را مشخص می‌کرد و در سمت چپ، قیمت روزنامه آورده می‌شد. در قسمت انتهایی سرلوحه این جمله را می‌نوشتند، «این گزت [روزنامه] از حوادث گوناگون و از سیاسیات و پولتیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومیه سخن خواهد گفت، هرگونه مواد مفیده عامه مجاناً قبول و طبع خواهد شد.» و به این ترتیب گردانندگان روزنامه نامبرده از آغاز تا پایان دوران فعالیت، بر اساس همین اصول اقدام به روشنگری نمودند و به ثبت و نشر افکار تحول خواهانه پرداختند.

این روزنامه به مدیریت محمد طاهر تبریزی به تشویق نایب سفارت ایران در استانبول، میرزا نجفقلی، انتشار خود را آغاز کرد. (آرین پور، ۱۳۵۵: ۳/۵) «نخستین شماره این روزنامه پنج شنبه ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ (برابر با ۱۳ ژانویه ۱۸۷۵/دی ماه ۱۲۵۴) به چاپ رسید و برابر موجودی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به ظاهر آخرین شماره آن، شماره ۱۰، سال ۲۳، مورخ ۳۰ ربیع الاول ۱۳۱۴ برابر با ۸ سپتامبر ۱۸۹۶ بوده است.»^۲ (پروین، ۱۳۷۷: ۱/۲۴۹)

با مطالعه مندرجات روزنامه اختر به نقش مؤثر آن در تحولات و رویدادهای تاریخ معاصر ایران پی برده خواهد شد. «در حقیقت در دوره تیره و تار استبداد، روزنامه اختر کمک بزرگی به تنویر افکار ایرانیان نموده و در ایامی که جراید این مملکت چند روزنامه درباری از قبیل ایران و اطلاع بوده، روزنامه اختر جریده مهم و قابل مطالعه‌ی زبان فارسی به شمار می‌رفته است.» (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱/۶۳) محیط استانبول زمینه‌آشنایی با تحولات اروپا را برای تحول خواهان ایرانی ساکن در آنجا فراهم می‌کرد. (اختر، س ۵، ش ۵۰)، البته مشی اختر بر

۱. از این به بعد در برخی موارد برای اختصار از اختر به تنهایی استفاده خواهد شد.

۲. پروین پنج شنبه ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ را برابر با ۱۳ ژانویه ۱۸۷۵/دی ماه ۱۲۵۴ دانسته است، در صورتی که این تاریخ برابر با ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ و ۲۳ دی ماه ۱۲۵۴ است و احتمالاً اشتباه تایپی یا محاسباتی است.

اساس انتقادات سازنده و به دور از جنجال از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران عهد ناصری مبتنی بود. هر چند در روزنامه اختر از ناصرالدین شاه به احترام نام برده می شد، اما این امر مانع از آن نبود که معضلات جامعه را بیان نکند. مقالات اختر به شرح معضلات جامعه عصر ناصری می پرداخت و این نکته از مندرجات روزنامه اختر قابل فهم است که هدفی بنیادی در تغییر ساختار جامعه را پیگیری می کرد. البته این رویکرد اختر از سوی دربار و شخص شاه بدون واکنش نماند و در دوره هایی ورود اختر به کشور ممنوع اعلام شد. (اعتماداسلطنه، ۱۳۸۹: ۳۷۹)

گردانندگان اختر هدف خود از انتشار روزنامه را تقویت انسجام اجتماعی، وحدت افکار، تکمیل لوازم حسن مناسبات داخلی و خارجی و ملزومات امنیت و آسایش اجزای وطن معرفی می کردند. (اختر، س ۱، ش ۱) مدیر مسئولی روزنامه بر عهده محمد طاهر تبریزی بود و میرزا مهدی اختر نیز سردبیری آن را در اختیار داشت. (جعفری خانقاه، ۱/۱۳۸۳: ۳۵) روزنامه اختر تا پیش از انتشار روزنامه قانون، تنها روزنامه‌ی ملی در برابر روزنامه‌های دولتی ایران بود. (پروین، ۱/۱۳۷۷: ۲۵۵) در روزنامه اختر مطالبی انتشار می یافت که در ایران شرایط نشر و چاپ آنها فراهم نبود. (آدمیت، ۲۵۳۶: ۴۰۷). در شماره نخست روزنامه اختر، نویسنده سرمقاله به دلایل انتخاب استانبول جهت نشر اختر پرداخته است. در این سرمقاله ضمن بر شمردن فواید روزنامه (گازت) در ترقی ملل و جوامع، استانبول را به دلیل تعاملات آن با ملل غرب و شرق دارای اهمیت دانسته است. (اختر، س ۱، ش ۱) اختر برتری کشورهای مترقی را ناشی از توانمندی آنها در علوم و فنون دانسته و راهکار ایجاد توسعه را در دریافت صحیح از جایگاه علم و دانش معرفی می کرد. بر این اساس، اصلاح در وجوه گوناگون جامعه را وابسته به اصلاح نظام تعلیم و تربیت می دانستند. اختر در پی آن بود تا با روشن کردن جایگاه دانش در روند ترقی، ذهن ایرانیان را آماده بهره برداری مناسب از علوم و فنون روز نماید.

طیف گسترده‌ای از منتقدان حکومت ناصری همکاران اختر را شکل می دادند. در بین آنها روشنفکران بورژوا-لیبرال و اصلاح طلب گرفته تا دموکرات‌های انقلابی میهن پرست وجود داشتند. (رئیس نیا، ۱/۱۳۷۴: ۲۷۷) کسروی روزنامه اختر را روزنامه‌ای مهم و نویسندگان آن را افرادی نیک و با غیرت معرفی می کند. (کسروی، ۱۳۷۸: ۷۷) میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا حبیب دستان، میرزا مهدی تبریزی معروف به منشی اختر و میرزا آقاخان کرمانی از جمله

نویسندگان نام آشنای روزنامه اختر بودند. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۳۹) اهمیت روزنامه نامبرده در این نکته قابل دریافت است که به خوانندگان آن اطلاق اختری مذهب می‌گردید. (براون، ۱۳۴۱: ۳۷۹) به دلیل اهمیت زبان فارسی در دوره مورد بحث و گستردگی حوزه فرهنگی آن، لذا اختر، خوانندگانی را در گستره وسیعی به خود اختصاص می‌داد. توجه در حوزه توزیع روزنامه، بیانگر اهمیت روزنامه اختر است. علاوه بر ایران، در عثمانی، هندوستان، قفقاز، ترکستان و بسیاری از ممالک روس و فرنگستان روزنامه اختر خواننده و مشترک داشته و در کشورها و حوزه‌های نامبرده نسخه‌های اختر توزیع می‌شد. (اختر، س ۱۷، ش ۱)

۳- لزوم اصلاحات و نگاه به نظام آموزشی

دوره قاجاریه را می‌توان مهمترین دوره در آشنایی بدون واسطه ایرانیان با تمدن جدید اروپا دانست. (محبوبی اردکانی، ۱/۱۳۴۸: ۴۹) جنگ‌های ایران و روس سرآغاز احساس نیاز به اصلاحات بود. عباس میرزا در برخورد با نیروی نظامی روس، تحول در شرایط موجود را برای مقابله با تهدید نظامی، ضروری می‌دانست. (رینگر، ۱۳۸۱: ۲۰) مهمترین اصلاحات ولیعهد، با الگوگیری از تحولات عثمانی بیشتر در حیطه نظامی آغاز شد. می‌توان دلیل توجه به نوسازی قشون را در فشار نظامی روس‌ها دانست. (بهنام، ۱۳۹۴: ۲۳)

در دوره ناصری، تأسیس دارالفنون سرآغاز روی آوردن به اصلاح مکاتب و الگوگیری از نظام تعلیم و تربیت کشورهای مترقی بود. طرح و شرایطی که برای موفقیت دارالفنون در نظر گرفته شد، نشان از آگاهانه بودن این اقدام در کیفیت بخشی به نیروی انسانی داشت. (محبوبی اردکانی، ۱/۱۳۷۰: ۲۵۹-۲۵۶) «در اواخر قرن نوزدهم، بسیاری از اصلاح طلبان بر این عقیده بودند که، آموزش جدید به سبک اروپایی داری همه‌ی دردهای اجتماعی و سیاسی [ایران] است.» (رینگر، ۱۳۸۱: ۲۳) بررسی مندرجات روزنامه اختر مشخص می‌کند که، تربیت نیروی انسانی از مهمترین مؤلفه‌های اختر برای انجام نوسازی بود. یکی از محورهای مهمی که اختر در انجام نوسازی و خروج از عقب ماندگی بر آن تأکید می‌کرد، اصلاح نظام تعلیم و تربیت بود. میرزا حسن رشدیه، ایده اقدامات خود در اصلاح آموزشی ایران را متأثر از مطالب روزنامه اختر می‌دانست. (رشدیه، ۱۳۷۰: ۲۰/آجودانی، ۱۳۸۳: ۲۶۰) مقالات روزنامه اختر بر اهمیت دانش و نقش آموزش همگانی در تحول جامعه برای خروج از توسعه نیافتگی تأکید داشت، به گونه‌ای که گردانندگان اختر، این مؤلفه را از بنیادی‌ترین عوامل زمینه ساز تغییر در جامعه ایرانی عصر ناصری معرفی می‌کردند.

۴-تعلیم و تربیت در ایران دوره قاجار

مکتب خانه‌ها شکل غالب آموزش و تعلیم در دوره قاجاریه را بر عهده داشتند. مکتب‌ها در مکان‌های مختلفی همانند مساجد، سرگذرها یا خانه مکتبداران برگزار می‌شد. تأسیس مکتب تابع قانون و مقررات مشخص و مدونی نبود. علاوه بر این شرایط ورود به مکتب نیز از مقررات مشخصی تبعیت نمی‌کرد. هر کس با هر شرایطی می‌توانست در آن شرکت کند. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۹) « تا دوره مشروطه و حتی چند دهه بعد از آن، مکتبخانه‌های سنتی، عوامل عمده آموزش و پرورش محسوب می‌شدند که به موازات پرورش دینی و خانوادگی، در مقیاس محدودی کارکرد آموزش و پرورش را انجام می‌دادند، و پایان علم آموزی هم با نظر مکتبدار مشخص می‌شد.» (علاقه بند، ۱۳۹۰: ۶۳)

سبک آموزشی مکاتب دارای کاستی‌هایی بود، آموزش مطالب به صورت شفاهی انجام می‌شد و دانش آموزان بدون درک محتوای مطالب به تکرار مطالب اقدام می‌کردند. همچنین نحوه اداره کلاس و ارائه مطالب نیز تابع شیوه مشخص و منظمی نبود. (مستوفی، ۱/۱۳۸۶: ۳۲۴) از دیگر معضلات مکاتب، بیسوادی غالب کسانی بود که مکتبدار بوده و امر آموزش را بر عهده داشتند. علاوه بر این، در منابع دوره قاجاریه از شیوه‌های نامناسب رفتاری و بداخلاقی مکتبدارها انتقاداتی ارائه شده است. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۳) انگیزه رفتن به مکتب فقط برای ایجاد توانایی خواندن و نوشتن در افراد بود و بیشتر اعیان، توانگران و بازرگانان فرزندان خود را به مکتب می‌فرستادند. آموزش الفبا، روخوانی بخش‌هایی از قرآن و کتاب‌هایی همانند گلستان، جامع عباسی، نصاب، تاریخ نادر و تاریخ معجم محتوای آموزشی مکاتب را تشکیل می‌دادند. (کسروی، ۱۳۷۸: ۷۸) حکومت‌های وقت بر مکتبخانه‌ها کنترل و نظارتی نداشتند و تابع مقررات و ضوابط مدون و یکسانی نیز نبودند. (علاقه بند، ۱۳۹۰: ۶۳) مکتب‌ها به صورت خودجوش توسط افرادی که به مکتبدار معروف بودند تأسیس می‌شدند و منابع مالی آنها به واسطه کمک‌های مردمی و هدایایی که در مقابل خدمات آموزشی دریافت می‌کردند، تأمین می‌شد. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵)

دقت در مطالب ارائه شده مشخص می‌کند که نظام آموزشی به سبک مکتب‌های سنتی، دارای نواقصی بودند که منجر به معضلاتی در جامعه ایران عصر ناصری می‌شد. مکتبخانه‌ها دارای وحدت رویه نبودند و از اساسنامه و قانون مدونی تبعیت نمی‌کردند. نقص در شیوه‌ها تدریس، ضعف محتوای آموزشی، بیسوادی و برخوردار نبودن مکتبدارها از شایستگی حرفه‌ای از

دیگر معضلات مکاتب بود. ضمن آنکه کارکرد مکاتب‌ها به ایجاد توانایی خواندن و نوشتن محدود می‌شد و هیچ گونه حرفه و فنی در مکاتب به فراگیران آموزش داده نمی‌شد. وجود چنین کاستی‌هایی و آشنایی با نظام نوین آموزشی جدید، منجر به گرایش تحول خواهان در به خدمت گرفتن شیوه‌های جدید آموزشی و الگوگیری از کشورهای متری در این زمینه شد. با آغاز دوران جدید و آگاهی ایرانیان از تحولات اروپا، آنها مهمترین دلایل ضعف خود را در نظام تعلیم و تربیت ایران دیدند و در نقد آن، خواستار کسب الگوی مدارس جدید گردیدند. طالبوف از منورالفکران دوره مشروطه، در کتاب «احمد» از نابسامانی مکاتب و بی علمی مکتبداران شکایت کرده و خواهان اجرای نظام جدید آموزشی مبتنی بر الگوی کشورهای اروپایی شده بود. (طالبوف، ۲۵۳۶: ۲۲) تأسیس مدارس مسیونرهای مذهبی نیز در آشنایی بیشتر ایرانیان با مدارس جدید اثرگذار بود. نخستین مدرسه مسیونرها توسط پرکینز (Perkinz)، کشیش آمریکایی، در ارومیه تأسیس شد. (رشدیه، ۱۳۷۰: ۱۶-۱۵)

در دوره ناصری و طی اصلاحات امیرکبیر با طرح دارالفنون، گامی مهم در اجرایی کردن مدارس به سبک جدید در ایران برداشته شد. امیرکبیر می‌خواست با کمک چنین طرحی، نیروی متخصص لازم برای انجام اصلاحات را در درون ایران تربیت کند. او معتقد بود برای تربیت تعداد بیشتری از نیروی انسانی مورد نیاز، به جای اعزام دانشجو به خارج، تأسیس دارالفنون راهکار مناسب‌تری است. این راهکار علاوه بر آنکه منجر به صرفه جویی در منابع مالی می‌شد از نفوذ بیگانگان در ایران نیز جلوگیری می‌کرد. (رینگر، ۱۳۸۱: ۸۵-۸۴) دارالفنون به واسطه آن که بی پایه بودن و نقص بیشتر تعالیم پیشینیان را آشکار می‌کرد، در عصر ناصری منجر به تحول عقلانی شد. علاوه بر آن در آشنایی تعداد بیشتری از ایرانیان با علوم جدید و ایجاد زمینه‌ی شکل‌گیری طبقه جدید روشنفکر اثرگذار بود. (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۵۵-۳۵۴)

پس از امیرکبیر، طرح اصلاح نظام آموزشی توسط تحول خواهانی همانند میرزا حسن رشدیه پیگیری شد. رشدیه نخستین مدرسه خود را در سال ۱۳۰۵ ه.ق در محله ششکلان تبریز تأسیس کرد. (رشدیه، ۱۳۷۰: ۲۸) تأسیس مدارس جدید در ایران توسط تحول خواهانی پیگیری می‌شد که راه برون رفت از معضلات موجود را در کیفیت بخشی به نیروی انسانی می‌دانستند. بر این اساس، راهکار حفظ استقلال ایران در مقابل قدرتهای مهاجم را در تقویت علمی ایران در راستای دست یابی به توان دفاعی از راه کسب علوم جدید در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌دانستند. (رینگر، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۰)

۵- اختر و مکتب‌خانه‌ها

از دوره قاجاریه و با آشنایی که ایرانیان از تمدن اروپایی دریافت کردند، به کاستی‌های نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر مکاتب پی بردند. بر این اساس، تحول خواهان ایرانی خواستار تغییر در ساختار آموزشی کشور به لحاظ کیفی شدند. یکی از اهداف ثبت شده در سرلوحه‌ی روزنامه اختر، گسترش علم و ادب بود که سهم مهمی از مقالات و مندرجات اختر را به خود اختصاص می‌داد. علم و ادب در چند سطح مورد توجه و نشر نویسندگان اختر قرار می‌گرفت. از محورهای مذکور می‌توان به کسب علوم و فنون جدید، اصلاح افکار جامعه، نوسازی جامعه بر اساس علوم جدید و تهذیب اخلاق افراد جامعه اشاره کرد.

در مندرجات اختر معمولاً بجای مدرسه از واژه مکتب استفاده می‌شد. نویسندگان اختر ضمن برشمردن فواید علم، دست یابی به دانش جدید را در توسعه و تأمین استقلال کشور مؤثر می‌دانستند. آنها با آوردن نمونه‌هایی از تأثیر مکاتب (مدارس جدید) در ترقی سایر کشورها، خواهان الگوگیری از سبک تحولات کشورهای مترقی در حوزه نامبرده می‌شدند. بررسی مقالات اختر مشخص می‌کند که نویسندگان اختر بر اساس شناخت خود از نظام تعلیم و تربیت ایران، به معرفی کاستی‌های نظام آموزشی ایران می‌پرداختند. ضمن اینکه به واسطه همین شناخت و آگاهی، راهکارهایی برای خروج از وضعیت موجود و نوسازی نظام آموزشی ارائه می‌دادند. برای تبیین مسئله‌ی مورد پژوهش و دریافت جواب پرسش‌های تحقیق، نظام تعلیم و تربیت بر اساس مندرجات اختر در سه سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد. ۱- اهمیت علم و دانش در نوسازی ایران، ۲- کاستی‌های نظام تعلیم و تربیت، ۳- ساختارسازی مدرن.

۵-۱- اهمیت علم و دانش در نوسازی ایران بر اساس مندرجات روزنامه اختر

در دوره مشروطه تقریباً یک موج هر چند اندک در جهت رواج علم و دانش و اهمیت آن در جامعه علمی به راه افتاد. در همین زمینه مطبوعات نیز فعالیت‌هایی را آغاز کردند. از دیدگاه گردانندگان روزنامه اختر، فواید دانش در کیفیت بخشی به نیروی انسانی در دو دسته کلی قابل تقسیم بندی است. ۱- حسن خُلق ۲- مهارت‌های فنی و علمی.

۵-۱-۱- حسن خُلق

روزنامه اختر، اخلاقی کردن جامعه را از فواید علم معرفی می‌کرد. (اختر، س ۳، ش ۱۶) نویسندگان اختر تأثیر علم در تقویت اخلاق را مهم تلقی کرده و با مثال آوردن از کشور

انگلیس، وجود رابطه و وابستگی بین دو متغیر گسترش علم و حُسن خُلق افراد جامعه را معنادار دانسته و مورد تأکید قرار می‌داد. از منظر گردانندگان روزنامه اختر، علم در اصلاح اخلاقی جامعه مؤثر بوده و منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شد. (اختر، س ۲۲، ش ۲۱) کارکرد علم در تقویت بنیان‌های صفات انسانی در جای جای اختر آورده شده است. «علم است که اینای بشر را به صفت شرافت موصوف داشته از میان اینای جنس امتیاز می‌دهد انسان را از حیوان و زنده را از مرده تشخیص و تفریق می‌نماید.» (اختر، س ۲۲، ش ۳۹)

گردانندگان روزنامه اختر بر این ایده بودند که مهمترین گام در انجام اصلاحات، اصلاح در فکر و اندیشه افراد جامعه است. (اختر، س ۵، ش ۵۰) آنها با تأکید بر تأثیر علم در اخلاقی کردن جامعه، به تقویت زمینه‌ی گرایش به علم آموزی در خوانندگان می‌پرداختند و از این طریق به تشویق گسترش مدارس جدید و تلقی آن به عنوان شرط لازم برای ترقی کشور اقدام می‌کردند. (اختر، س ۵، ش ۴۱) علاوه بر این، از دیدگاه اختر، شرط ایفای وظیفه نسبت به وطن، به واسطه برخورداری از علم و دانش محقق می‌شد. (اختر، س ۲، ش ۲۱)

در نگاه اختر علم و اخلاق رابطه‌ای متقابل با یکدیگر داشتند. همانگونه که علم به تقویت صفات نیک اخلاقی در جامعه می‌انجامید، وجود صفات مطلوب اخلاقی نیز می‌توانست به بهبود شرایط علمی جامعه منجر شود. به عنوان نمونه، از دیدگاه اختر صفت اخلاقی غیرت رابطه ناگسستنی با علم و دانش داشت و می‌توانست در تقویت علم مؤثر باشد. غیرت منشاء احساس مسئولیت اجتماعی معرفی می‌شد و میزان گرایش افراد جامعه به فراگیری دانش برای توسعه کشور، به میزان زیادی به جایگاه و شرایط صفت اخلاقی غیرت در جامعه بستگی داشت. (اختر، س ۲، ش ۱۱ / س ۲، ش ۲۰) بر این اساس، از دانش به عنوان گوهر تمدن نام می‌برد و شرط دست یابی به تمدن جدید را در بهره مندی از هر دو مؤلفه علم و اخلاق به صورت توأمان معرفی می‌کرد. (اختر، س ۱، ش ۲ / س ۲۲، ش ۴۰) علم به واسطه آن که می‌توانست به تقویت صفات اخلاقی در جامعه انجامد، عاملی بود در تقویت اخلاقی افراد جامعه و به واسطه چنین شرایطی زمینه ایجاد و تقویت نهادهای مدنی نیز تسهیل می‌گردید. التزام به قانون و تقویت انسجام اجتماعی از دیگر مزایای علم بود که مورد تأکید گردانندگان اختر قرار می‌گرفت. (اختر، س ۱، ش ۲) با توجه به مطالب طرح شده، از دیدگاه گردانندگان روزنامه اختر علم و اخلاق رابطه‌ای متقابل با یکدیگر داشتند، وجود هرکدام منجر به تقویت دیگری بود و چنین رابطه‌ای زمینه ساز توسعه بود. بر این اساس تحول در نظام آموزشی اقدامی ضروری پنداشته می‌شد.

۵-۱-۲- مهارت‌های فنی و علمی

گردانندگان اختر برخوردار از علوم و فنون جدید را در ابعاد گوناگون جامعه لازم می‌دانستند. تأثیر علم در کیفی کردن نیروی انسانی، تنظیم و تقویت نظم مدنی، رونق اقتصادی، بهبود ارتباطات، و... دارای اهمیت بود. روزنامه اختر در آسیب شناسی از عقب ماندگی، دلیل وضعیت موجود را در عوامل داخلی جستجو می‌کرد و راهکار غلبه بر مشکلات، در کیفی کردن نیروی انسانی و استفاده از علوم جدید معرفی می‌شد. (اختر، س ۵، ش ۲۱) نویسنده اختر در یادداشتی تحت عنوان قدرت و ثروت فرانسه، دلیل ثروت فرانسه را در ترقی صنایع و تجارت فرانسه دانسته و می‌نویسد: «اگر پرسند ترقی تجارت و زیادت حرفت را سبب چیست؟ بطور واضح می‌گوییم که (علم)» (اختر، س ۱۲، ش ۴۴) از دیدگاه نویسندگان اختر علوم جدید منجر به بهبود رفاه و ترقی در صنایع می‌شد. (اختر، س ۴، ش ۳۴) در نگاه اختر، علم به واسطه تولید ثروت و بهبود رفاه اجتماعی به دلیل گسترش صنایع و ایجاد ارزش افزوده در منابع و مواد خام، دارای اهمیت و جایگاه بود. (اختر، س ۴، ش ۳۴) مستشارالدوله پیشرفت‌های علمی و صنعتی اروپا را دلیل تقویت جامعه دانسته و با پیوند دادن آن به مسائل دینی استفاده از تولیدات صنعتی و علمی اروپا را مایه تسهیل در گسترش دین عنوان می‌کرد. استفاده از عینک در مطالعه قرآن، تعیین اوقات شرعی بر اساس ساعت، تولید وسایل برقی، صنعت چاپ و نقش آن در ترویج کتب دینی، استفاده از کاغذ در نشر قرآن و حفظ نفوس مسلمانان به واسطه استفاده از آبله کوبی از جمله مزایای علم در تسهیل گسترش دین از جمله مزایای علم عنوان می‌شد. در ادامه ضمن تأکید بر نقش برخوردار از علوم و فنون جدید در تقویت اقتصاد و بهبود کمیت و کیفیت منسوجات صنعتی، به توانمندی‌های صنعتی اروپائیان در حمل و نقل، تلگراف، کشتی، راه آهن، بالون و تلفن اشاره دارد و آنان را از مزایای رشد علمی معرفی می‌کند. (اختر، س ۶، ش ۲۲)

در اغلب مقالات و گزارش‌هایی که در خصوص علم در اختر نشر یافته، به مزایای فنی که منجر به رفاه و کیفی کردن اقتصاد بود توجه ویژه‌ای می‌شد و علم را عامل نیک بختی ملل و جوامع معرفی می‌کرد. از نگاه گردانندگان روزنامه اختر، دانش از این جهت که باعث گسترش تولید و بهره مندی از صنعت و ساخت کارخانه‌های تولیدی می‌شد مهم بود. همچنین برخوردار از علوم جدید، برای تربیت نیروی انسانی در راستای اداره کشور در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امری ضروری معرفی می‌شد. گردانندگان اختر با

برشمردن فواید برخورداری از علوم و فنون جدید تلاش داشتند تا این ایده را به مخاطبان خود انتقال دهند که استفاده از دانش جدید راهکار غلبه بر عقب ماندگی است. بر این اساس، کیفی کردن نیروی انسانی را در برخورداری از نظام آموزشی کارآمد معرفی می‌کردند و برای دست یابی به چنین هدفی اصلاح نظام آموزشی موجود را اجتناب ناپذیر می‌دانستند.

۵-۲- کاستی‌های ساختار آموزشی از نگاه اختر

صاحبان جریده اختر، افزون بر نگاه تشویقی، دیدگاه عیب یابی را نیز به دقت مد نظر قرار داده بودند و سعی می‌کردند ریشه‌های معیوب ساختار آموزشی سنتی ایران را بازگو کنند. از دیدگاه گردانندگان اختر، نظام آموزشی ایران متناسب با توسعه و ترقی نبود. نویسندگان اختر مکاتب ایران را از جنبه‌های گوناگونی دچار نقص و کاستی می‌دانستند. با توجه به گستردگی مطالب و مقالاتی که توسط نویسندگان اختر در این خصوص نشر یافته به صورت فهرست به پاره‌ای از معضلات نظام آموزشی پرداخته می‌شود.

بی‌نظمی و بی‌توجهی دولت به امر اصلاح مکاتب، عدم وجود اراده‌ی ملی و همگانی برای اصلاح و بهره‌مندی از نظام تعلیم و تربیت مناسب، ناآگاهی و بی‌مسئولیتی کارگزاران حکومتی، بی‌سوادی و ضعف صلاحیت حرفه‌ای معلمان مکاتب، بی‌توجهی دولت به تأمین منابع مالی و عدم برخورداری مکاتب از بودجه و منابع مالی مشخص و پایدار، دست اندازی متنفذان به وقفیات مکاتب، (اختر، س ۱۵، ش ۲۷) عدم وجود قانونی مشخص و مدون [اساسنامه] برای اداره‌ی امور مکاتب، کهنگی و ناکارآمدی نظام تعلیم و تربیت، ضعف محتوای آموزشی و عدم تناسب آن برای کیفی سازی نیروی انسانی و ایجاد ترقی و توسعه، (اختر، س ۷، ش ۲۶) و بی‌توجهی به آموزش دختران و بی‌سوادی مادران (اختر، س ۲، ش ۳۶) از مهمترین کاستی‌های نظام آموزشی ایران بود که گردانندگان اختر خواستار اصلاح آنها برای توانمند کردن نظام آموزشی بودند.

در روزنامه اختر علاوه بر معرفی معضلات نظام آموزشی ایران، به مزایا و توانمندی‌های نظام آموزشی کشورهای مترقی نیز پرداخته می‌شد، بر این اساس، گردانندگان روزنامه اختر تلاش داشتند مخاطبان خود را با معضلات موجود در نظام تعلیم و تربیت آشنا کرده و اهمیت برخورداری از یک نظام کارآمد آموزشی را در ترقی کشور به آنها گوشزد نمایند.

۵-۳- رویکرد روزنامه اختر به ساختارسازی مدرن نظام آموزشی

روش و سبک گردانندگان روزنامه اختر در ساختارسازی و فراهم کردن زمینه مدرن سازی نظام آموزشی ایران عصر ناصری، متأثر از شناخت آنها از نظام‌های آموزشی ایران و کشورهای مرفی بود. در کل سمت گیری تمامی روشنفکران آن دوره به سوی غرب بود بنابراین آنان نیز چنین روشی را در پیش گرفتند. نویسندگان اختر در مقالاتی متعدد به کاستی‌های نظام تعلیم و تربیت سنتی می‌پرداختند، علاوه بر این، به معرفی ویژگی و توانمندیهای نظام آموزشی کشورهای مرفی، اقدام می‌کردند. آنها راهکار دست یابی به ترقی را در توانمند کردن و اصلاح نظام آموزشی می‌دانستند. گردانندگان اختر برای ایجاد تحول در نظام آموزشی خواستار توجه به مقوله‌هایی همانند زبان آموزی، اصلاح خط، آموزش بانوان و الگوگیری از تجارب کشورهای مرفی در امر تعلیم و تربیت بودند.

۵-۳-۱- زبان آموزی و نقش آن در نوسازی نظام آموزشی

از دیدگاه نویسندگان اختر زبان نقش برجسته‌ای در ترقی فردی و جمعی نوع انسان ایفا می‌کند. در سومین شمار منتشره روزنامه، طی درج مقاله‌ای با عنوان «سخن از سخن» به این مهم پرداخته شد. در مقاله نامبرده ضمن بر شمردن فواید سخن در ترقی نوع انسانی و مرتبط دانستن موفقیت‌های بشری به آن، تولد سخن را حاصل فرایند تاریخی جوامع انسانی دانسته که با اختراع خط ماندگاری و اثرگذاری آن بر جوامع انسانی تثبیت شد. «پس در حقیقت اختراع کنندگان این دو علم و صنعت یعنی سخن و کتابت، خدمتی که به ابنای جنس خودشان کرده‌اند خدمتی است که مافوق آن را تاکنون نتوانسته‌ایم تصور بکنیم. استاد هنرمندی در جهان آورده‌اند که هر چه در جهان از هنر بیاید تا به مکتب تعلّم از آن استاد نرود حلیه استعداد نتواند پوشید و جلوه شرف نتواند نمود. اختراع واپور و تلگراف که امروز آبادی و عمران جهان را اولین اسباب است یکی از تربیت شدگان دبستان سخن و کتابت است.» (اختر، س ۱، ش ۳)

در شماره‌های واپسین و طی مقاله «مشق و سرمشق» به نکات مهمی در راستای ایجاد اصلاح در نظام آموزشی پرداخته است. اختر اهمیت فراگیری زبان در تسهیل ترقی علمی دانش آموزان را مهم دانسته و خواستار گسترش امر زبان آموزی بر اساس محتوای دروس می‌شد. (اختر، س ۲، ش ۳۵) فراگیری زبان کشورهای اروپایی علاوه بر این که یکی از راهکارهای رسیدن به ترقی لحاظ شده آموختن آن را برای جلوگیری از دخالت بیگانگان لازم می‌دانست. (اختر، س ۷، ش ۱۵)

۵-۳-۲- اصلاح خط و تأثیر آن در تحول نظام آموزشی

قدرت بی رقیب اروپائیان و فشار همه جانبه آنها به کشورهای اسلامی، به ویژه ایران و عثمانی، منجر به تلاش‌هایی جهت خروج از عقب ماندگی شد. یکی از راهکارهای خروج از عقب ماندگی تحول در نظام آموزشی بود. از دیدگاه تحول خواهان ایران و عثمانی، با سواد کردن افراد جامعه نقش موثری در ترقی جامعه می توانست بر عهده گیرد. از سال ۱۲۳۵ ه.ش/ برابر با ۱۲۸۲ ه.ق که سال آغاز طرح اصلاح خط قلمداد شده تا سال ۱۲۷۵ ه.ش/ ۱۳۱۴ ه.ق که روزنامه اختر برای همیشه تعطیل شد، ۱۳ نفر در این خصوص به عنوان موافق مطالبی نوشتند. محمدطاهر منیف افندی، فتحعلی آخوندزاده، میسیو بارب، میزا ملکم خان، رشدی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا حسن، میرزا رضای تبریزی، ملا احمد حسین زاده، میرزا لطفعلی تبریزی و میرزا حسین خان از جمله این افرادند. (استادی، ۱۳۹۱: ۳۹)

با توجه به مندرجات اختر، پاره‌ای از این افراد در روزنامه اختر مقالات خود را به چاپ رسانده‌اند. نخستین مقاله در سال سوم انتشار اختر به چاپ رسید. نویسنده مقاله از اهالی گرجستان بوده که شخصی به نام رشدی آن را به فارسی ترجمه کرده و برای چاپ در اختر ارسال نموده بود. اساس بحث مقاله در خصوص تأثیر دشواری الفبای کشورهای اسلامی در عقب ماندگی آنها ذکر گردیده است. نکته جالب، تحلیل روزنامه اختر در خصوص مقاله نامبرده است. در جواب مقاله ضمن، تأیید برخی دشواری‌های الفبا و همچنین ناکارآمدی نظام آموزشی شرقیان [کشورهای مسلمان] در ذکر علت آن می‌نویسد؛ «این عقب ماندن تنها از بابت نقصان الفبایی ما نیست بلکه از نقصان علوم و فنونی است که باید با آن الفبا بیان کرده شود و از جهت بی اعتنائی دولت و ملت است به ترقی علوم و معارف در میان ماها.» در پایان رمز موفقیت فرنگیان را در کسب علوم و فنون، نه به واسطه خط، بلکه در اثر «اهتمامات و مساعی متفکرانه ی دولت و ملت و به اقتضای احتیاجات زمان [می‌داند].» (اختر، س ۳، ش ۱۷) البته بعد از این تاریخ نیز مقالاتی در لزوم اصلاح خط در روزنامه اختر به چاپ رسیده که اختر با رویکرد تغییر خط هماهنگ شده و سرانجام از آن حمایت کرد.

در سال ششم، مقاله مستشارالدوله در لزوم اصلاح خط به چاپ رسید. اختر، در ادامه‌ی مقاله، استفتاء دریافتی از میرزا نصرالله، مجتهد مشهد در لزوم تغییر خط را منتشر کرد. در نوشته مستشارالدوله ضمن برشمردن موفقیت‌های علمی و صنعتی اروپائیان دلیل آن را در سهولت الفبا می‌دانست. دلیل توانایی اروپائیان در فراگیری زبان‌های شرقی را نیز در سهولت الفبای آنان

ذکر می‌کرد و برای کیفیت بخشی به نظام آموزشی خواستار اصلاح در خط بود. در این خصوص علما را خطاب قرار داده بود و از آنها خواسته بود برای تسهیل امر آموزش با اصلاح خط موافقت نمایند. در جواب به این درخواست مستشارالدوله، مجتهد مشهد آن را جایز و بدون اشکال اعلام نمود و هرگاه موجب تسهیل قرائت شود انجام آن را لازم شمرده بود. (اختر، س ۶، ش ۲۲) نکته مهم طرح اصلاحی مستشارالدوله در حفظ ساختار خط و تغییر در سبک خواندن آن بود که معتقد بود باعث کاهش زمان تحصیل و فراگیری بهتر مطالب توسط دانش آموزان خواهد شد. در شماره‌های دیگری نیز به درج مقالاتی در این خصوص اقدام شد که از سوی موافقان تغییر خط تنظیم شده بودند. در سال دوازدهم، اختر ضمن چاپ مقاله میرزا ملکم خان که در توضیح الگوی اختراعی اصلاح خط فارسی به چاپ رساند، نظر و راهبرد روزنامه در اصلاح خط و تأثیر آن بر تسهیل سواد آموزی را انتشار داد. (اختر، س ۱۲، ش ۲۴)

گردانندگان روزنامه اختر با تأیید لزوم اصلاح خط، تقویت کننده آن دسته از الگوهای اصلاحی بودند که ضمن حفظ ساختار خط فارسی و عربی، تغییراتی در راستای تسهیل خواندن و نوشتن ارائه می‌دادند. چون خط اختراعی میرزا ملکم بر این اساس طراحی شده بود، مورد استقبال گردانندگان اختر قرار گرفت. تمامی مقالاتی که در رابطه با اصلاح خط در روزنامه اختر به چاپ رسیدند، بر نقش سبک نگارش و خط در توسعه کشورهای متمدنی و عقب ماندگی ملل اسلامی تأکید داشتند و بر این اساس برای فراهم نمودن زمینه ترقی، راهکار را در تغییر ساختار نظام آموزشی تعریف می‌کردند که اصلاح خط در این مبحث دارای اهمیت بود.

۵-۳-۳- نوسازی نظام آموزشی و لزوم علم آموزی به بانوان

در مسئله تربیت و علم آموزی بانوان، نویسندگان اختر تأکید ویژه‌ای دارند. در مقاله «تربیت دختران» به صورت مفصل به این مهم پرداخته و اقدام به تربیت دختران، عاملی مهم در ایجاد زمینه توسعه معرفی می‌شد. (اختر، س ۲، ش ۳۶) علم آموزی و تربیت دختران و زنان از این جهت که مادران نخستین مربیان اطفال هستند، و به واسطه ویژگی‌های عاطفی توانایی برقراری رابطه مناسب‌تری با کودکان را دارند، می‌توانست منجر به شکوفایی استعداد اطفال شود. (اختر، س ۲، ش ۳۶ / س ۱۸، ش ۱۱ / س ۲۳، ش ۷) «پس باید در امر تربیت دختران و تعلیم از هر جهتی زیادتر دقت کنیم، مکتب‌های جداگانه برای آنان قرار دهیم و همه همت خودمان را در انتظام حال آنها مصروف داریم، تا آنکه اساس تربیت را محکم و بنیان ادب را مستحکم کرده باشیم.» (اختر، س ۲، ش ۳۶)

نویسنده اختر برای آماده ساختن ذهن خوانندگان با اشاره به باورهای دینی و استناد به تعلیم اسلام مبتنی بر اهمیت علم آموزی، به الگوسازی برای پذیرش این مهم می‌پرداخت. اختر منظور تعلیم اسلامی از هم کفو بودن زن و مرد برای زندگی مشترک را در هم کفوی آنها در علم و دانش بیان می‌کند. در شماره‌های متعدد اختر با آوردن نمونه‌هایی از تربیت دختران و زنان دیگر کشورها تلاش در ساختارسازی و کمک به پذیرش و لزوم علم آموزی دختران دارد. از نگاه اختر زنان نقش مهمی در ایجاد تحول در نظام آموزشی می‌توانستند برعهده گیرند. بر این اساس، آنها به موارد گوناگونی از تأثیرگذاری زنان در ایجاد تحول در نظام آموزشی می‌پرداختند و تلاش داشتند با ارائه چنین مطالبی ذهن خوانندگان را به اهمیت زنان در امر نوسازی آشنا کنند. باسوادی و آموزش زنان به دلیل نقش مادری که داشتند، می‌توانست در تربیت نیروی انسانی جامعه مهم باشد و هم به واسطه برخورداری از ویژگی‌های رفتاری و ارتباطی، شرایط مناسب تری برای تعلیم کودکان داشتند. علاوه بر این حضور آگاهانه و مؤثر آنها در فعالیت‌های اجتماعی می‌توانست به توسعه جامعه انجامد.

۵-۳-۴- طرح الگوی ساختارهای آموزشی کشورهای مرفقی

یکی از روش‌های گردانندگان روزنامه اختر در مدرن سازی نظام آموزشی، آشنا کردن خوانندگان با شرایط نظام آموزشی کشورهای مرفقی بود. به شیوه‌های مختلفی به این امر پرداخته می‌شد، ترجمه نظامنامه‌های آموزشی، توصیف انواع مدارس موجود و رشته‌های مختلف تحصیلی، شیوه نامه و چگونگی دروس ارائه شده در مدارس مورد نظر از جمله راهکارهای مورد استفاده بود. به عنوان مثال می‌توان در این خصوص به موارد ذیل اشاره کرد: ترجمه و انتشار نظامنامه مکتب (مدرسه) حقوق عثمانی، پرداختن به فواید و لزوم ایجاد مکاتب حقوق در رشد و توسعه جامعه و آوردن مواد درسی قابل تدریس در آن (اختر، س ۲، ش ۳۳) ذکر اسامی مدارس روسیه و میزان بودجه ای که دولت روسیه برای آنان در نظر گرفته بود. البته آشنایی که از این طریق به مخاطبان خود ارائه می‌داد دارای اهمیت بود. آگاهی از اهمیت مدارس و نقشی که دولت روس در توسعه آنان بر عهده گرفته بود می‌توانست برای خوانندگان آن روز اختر که با نظام آموزشی فرتوت و بی اثر قاجار مواجه بودند آگاهی بخش باشد. (اختر، س ۲۲، ش ۱۸) ترجمه مقاله‌ای در مورد شیوه تدریس در مکاتب (مدارس) ابتدایی فرانسه. در مقاله نامبرده به شیوه‌های مدرن تقویت بینش در دانش آموزان و تقویت مهارت خلاقیت دانش آموزان توجه ویژه ای شده بود و با استفاده از دریافت‌هایی از علم روانشناسی راهکارهایی در

این مقوله به خوانندگان ارائه می داد. (اختر، س ۲۲، ش ۳۷) روزنامه اختر در سال ۱۳۹۶ ه.ق طی ترجمه مفصلی به تشریح ساختار نظام آموزشی کشور آلمان پرداخت. در ترجمه یاد شده شناخت مناسبی از مقاطع تحصیلی از مقطع ابتدایی تا کالج (دانشگاه)، معرفی فعالیت‌های موثر در پرورش قوه استدلال دانش آموزان، توجه به روانشناسی یادگیری و کاربرد آن در امر آموزش و معرفی شیوه اجرایی و دروس تدریس شده در مدارس آلمان را ارائه می داد. (اختر، س ۵، ش ۳۰)

موارد نامبرده نمونه‌ای از فعالیت‌ها و شیوه ساختارسازی مدرن در نظام آموزشی بود. گردانندگان اختر ضمن معرفی نواقص نظام آموزشی، با آوردن نمونه‌هایی از ساختارهای آموزشی سایر کشورها، تنوع و رشته بندی معلومات، شیوه‌های تدریس مناسب با ترقی، ساختارهای اجرایی نظام‌های آموزشی و..... به لزوم طرح نظام آموزشی متناسب با توسعه در ایران می‌پرداختند.

نتیجه

نوسازی از مهمترین دغدغه‌های تحول خواهان ایرانی دوره قاجار بود. یکی از نهادهایی که برای برون رفت از عقب ماندگی بر نوسازی آن تأکید می‌شد، نظام تعلیم و تربیت بود. بر این اساس، تحول خواهان دوره قاجار تلاش داشتند تا راهکار خروج از عقب ماندگی را در نوسازی نظام تعلیم و تربیت معرفی نمایند. نهاد تعلیم و تربیت از نگاه نویسندگان روزنامه اختر جایگاه مهمی در ایجاد تحول در جامعه می‌توانست ایفا نماید. مقالات روزنامه اختر بر ناکارآمدی نظام تعلیم و تربیت عصر ناصری تأکید داشتند. گردانندگان اختر در طرح خود برای نوسازی ایران عصر ناصری، ضمن تأکید بر جایگاه نظام تعلیم و تربیت، خواستار تحول در این نهاد در راستای توانمندسازی نیروی انسانی برای ایجاد توسعه بودند. روزنامه اختر در سلسله مقالاتی با پرداختن به اهمیت علم و دانش در ایجاد ترقی، به بیان نواقص ساختاری نهاد تعلیم و تربیت ایران عصر ناصری می‌پرداخت.

معایب نظام تعلیم و تربیت عصر ناصری در ابعاد ساختاری، شیوه‌های اجرایی و آموزشی، محتوای دروس، کهنگی و فرسودگی، بی سوادی معلمان، بی نظمی و عدم وجود اساسنامه، فراگیر نبودن و بی توجهی دولت به آن مورد توجه بود. گردانندگان اختر برای مشخص کردن جایگاه نظام تعلیم و تربیت در ایجاد تحول در جامعه، به آشنا کردن مخاطبان خود با نظام‌های آموزشی کارآمد کشورهای مترقی اقدام می‌کردند. برای توانمند کردن نظام تعلیم و تربیت

ضمن توجه به مقوله‌های زبان آموزی و نقش آن در تسهیل یادگیری و تدریس، به موضوع مهم تعلیم و باسوادی بانوان نیز نظر داشت. پرداختن به شیوه‌های برتر تدریس، اصلاح خط، معرفی دروس علمی و تخصصی مورد نیاز برای ورود به هر کدام از تخصص‌های لازم، ذکر رشته‌های موجود علمی، معرفی ساختارهای آموزشی و ترجمه نظامنامه‌های آموزشی کشورهای متری از مهمترین فعالیت‌های اختر در آشنا کردن خوانندگان با نظام تعلیم و تربیت متری بود. در چنین فرآیندی به فراهم نمودن بستری مناسب برای ساختارسازی مدرن در نظام تعلیم و تربیت برای کیفی سازی آن جهت نقش آفرینی در نوسازی جامعه ایران عصر ناصری اقدام می‌کرد. تشویق جامعه برای مشارکت در این امر مهم و بیان وظایف دولت در فرآیند کارآمد کردن نظام تعلیم و تربیت مورد تأکید اختر بود.

منابع

- استادی، کاظم. (۱۳۹۱) «روزنامه اختر و تغییر خط فارسی»، پیام بهارستان، د ۲، س ۴، ش ۱۶.
 آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۳) مشروطه ایرانی، چ ۲. تهران: اختران.
 آدمیت، فریدون. (۲۵۳۶) اندیشه ترقی و حکومت قانون. تهران: چاپ خانه سپهر.
 (۱۳۸۹) /میرکبیر و ایران. چ ۱۰، تهران: خوارزمی.
 براون، ادوارد. (۱۳۳۷) تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در مشروطیت، ترجمه محمد عباسی. تهران: [بی نا].
 بهنام، جمشید، ۱۳۹۴، ایرانیان و اندیشه تجدد. تهران: فرزانه.
 پروین، ناصرالدین. (۱۳۷۷). تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان. تهران: نشر دانشگاهی.
 پورحسن دارابی، جلیل، «رویکرد انتقادی روزنامه اختر به وضعیت زنان جامعه ایران در عصر ناصری»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۱، ۱۳۹۱.
 جعفری خانقاه، مهدی. (۱۳۸۳) دو قرن با مطبوعات فارسی زبان چاپ خارج از کشور در قاره آسیا. ج ۱. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
 رشدیه، فخرالدین. (۱۳۷۰) زندگینامه پیرمعارف رشدیه. تهران: هیرمند.
 رینگر، مونیگام. (۱۳۸۱) آموزش، دین، گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت خواه. تهران: ققنوس.
 رئیس نیا، رحیم. (۱۳۷۴) ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم. تهران: ستوده.

- صدر هاشمی، محمد. (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران. ج ۱، اصفهان: بی نا.
- طالبوف، عبدالرحیم. (۲۵۳۶) ادبیات مشروطه کتاب/احمد. تهران: شبگیر.
- علاقه بند، علی. (۱۳۹۰) جامعه شناسی آموزش و پرورش. چ ۴۹، تهران: نشر روان.
- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجار بانیان و پیشروان. تهران: نشر دانشگاهی.
- کسروی، احمد. (۱۳۷۸) تاریخ مشروطه ایران. چ ۲. تهران: صدای معاصر.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰) تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶) تاریخ تحلیلی مطبوعات. تهران: بعثت.
- مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۶، شرح زندگانی من. ج ۱. تهران: هرمس.
- روزنامه/ختر س ۱، شماره های ۱، ۲، ۳
- روزنامه/ختر س ۲، شماره های، ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۱۱
- روزنامه/ختر س ۳، شماره های، ۱۷، ۱۶
- روزنامه/ختر س ۴، ش ۳۴
- روزنامه/ختر س ۵، شماره های، ۳۰، ۴۱، ۵۰، ۲۱
- روزنامه/ختر س ۶، ش ۲۲
- روزنامه/ختر س ۷، شماره های ۲۶، ۲۱، ۱۰، ۱۵، ۸
- روزنامه/ختر س ۱۲، شماره های، ۴۴، ۲۴
- روزنامه/ختر س ۱۴، شماره های، ۲۹، ۳
- روزنامه/ختر س ۱۴، ش ۲۹
- روزنامه/ختر س ۱۵، ش ۲۷
- روزنامه/ختر س ۱۶، شماره های، ۳۴، ۱۴
- روزنامه/ختر س ۱۷، شماره های، ۲۰، ۱
- روزنامه/ختر س ۱۸، ش ۱۱
- روزنامه/ختر س ۲۱، شماره های ۴۶، ۲۹، ۲۱
- روزنامه/ختر س ۲۲، شماره های، ۳۹، ۳۷، ۳۵، ۲۱، ۱۴، ۱۸، ۷
- روزنامه/ختر س ۲۳، ش ۷